

# نگاهی تحلیلی

## به بخش آموزه برهان سینوی

مسعود امید\*

استادیار دانشگاه تبریز

### چکیده

این مقاله در صدد آنست تا با نگاهی تحلیلی، به بازنگری برهان سینوی بپردازد. بر این اساس نخست تقسیم بندی ویژه‌یی در باره نظریه برهان سینوی مبنی بر اشمال آن بر آموزه، روش و مهارت ارائه میشود و آنگاه تنها با محور قرار دادن بخش آموزه، به بررسی مفاد و دعاوی آن در قالب تقسیم آن بدو بخش مفهومی (منطقی) و مصداقی (معرفتشناختی) پرداخته میشود. در این مقاله تلاش بر اینست تا ویژگی‌های مهم و نکات کلیدی آموزه برهان مطرح شود.

### کلید واژگان

نظریه برهان

آموزه برهان

جنبه معرفتشناختی

### مقدمه

سطوح سه گانه آموزه، روش و مهارت در نظریه

### برهان

نظریه برهان سینوی را میتوان دارای سه سطح آموزه<sup>۱</sup>، روش<sup>۲</sup> و مهارت<sup>۳</sup> دانست. بر این اساس میتوان نظریه برهان را از یکی از این سه جهت (یا از دو یا هر سه

جنبه)، مورد تحقیق و بررسی قرار داد. بطور کلی، مراد از جنبه آموزه در یک نظریه عبارت از محتوای نظری آن نظریه، از قبیل تحلیلها، تعریفها، توصیفها و توجیهای مندرج در آنست. آموزه، ناظر بوجود عناصری از قبیل تصور (یا ایده محوری) آن (موضوع)، تصورات پایه، اصول، مسائل اصلی و فرعی، قضایا، فرضیات، لوازم و نتایج نظریه و... است. برای مثال مباحث «برهان» در سطح آموزه، عبارت از وجود موضوع یا تصور محوری (برهان)، تصورات پایه (مانند تصدیق، یقین، قیاس، ذاتی، اولی، ضروری و... بمعنای باب برهان)، اصول (از قبیل: انحصار وصول به یقین از طریق برهان)، مسائل (مانند: چیستی یقین منطقی؟ و شرایط و ضوابط آن؟)، قضایا یا دعاوی (از قبیل: یقین برهانی حاصل از مقدمات یقینی است، استقراء تام برهانی است، یقین برهانی از دیگر اشکال یقین متفاوت است)، اقسام برهان و... است.

مباحث سطح روشی یک نظریه بطور کلی مربوط

\* masoud-omid1345@yahoo.com

1. Doctrin.

2. Method.

3. Skill.

■ مراد از جنبه آموزه در یک نظریه عبارت از محتوای نظری آن نظریه، از قبیل تحلیلها، تعریفها، توصیفها و توجیههای مندرج در آنست. آموزه، ناظر بوجود عناصری از قبیل تصور (یا ایده محوری) آن (موضوع)، تصورات پایه، اصول، مسائل اصلی و فرعی، قضایا، فرضیات، لوازم و نتایج نظریه و ... است.

است به بیان شیوهها، مراحل و ضوابط و ملاکهای برای وصول به هدف یا اهدافی که در آموزه مطرح شده است و کاربردی و عملیاتی ساختن آموزه؛ بیان دیگر ارائه مراحل و گامهای رسیدن به هدف، راههای پیاده کردن آموزه و توصیه‌های روشی و ... در آن نظریه. مباحث سطح روشی «برهان» به توصیه‌های ویژه، از قبیل سود بردن از منابع و مبادی خاص مربوط است. بعلاوه، بیان ضوابط صوری و ملاکهای مادی مقدمات قیاس برهانی و ... است.

سطح مهارتی در یک نظریه به تمرینهای لازم برای کاربر در روش مذکور، در موارد و حوزه‌های مختلف، جهت احراز حد مطلوبی از مهارت مربوط است. سطح مهارتی «برهان» عبارتست از تمرین برای بکار بردن آن، بر حسب مراحل و ضوابط آن، در حوزه‌های معرفتی و بررسی نظریات برای معلوم شدن این نکته که آیا در آنها از شیوه برهان استفاده شده است یا نه؟ و ادامه این فرایند برای رسیدن به حد مطلوبی از مهارت در بکار بردن برهان و مهارت در نقد نظریات، از جهت وجود یا عدم برهان در آنها. در اینجا نظر بر اینست تا تنها مباحث مربوط به آموزه برهان مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

برداشتن دو گام مفهومی و مصداقی در مبحث برهان

ابن سینا در نخستین مرحله از مبحث برهان که مربوط به پرسش از چیستی و تعریف برهان است بدو دسته از مباحث پرداخته است. از سویی مباحث مفهومی آن (از قبیل تعریف و مقومات آن و ملاک مقومات از قبیل یقین) و از طرف دیگر مباحث مصداقی آن از قبیل تعیین مبادی قیاس بطور کلی و مبادی برهان بطور ویژه را بررسی کرده است. بیان دیگر در مباحث مربوط به برهان یا آموزه برهان هم وارد مباحث صورت و ماده برهان بطور کلی شده است و هم به مباحث محتوایی و مصداقی پرداخته است. یعنی هم از حیث منطقی (صوری و مادی) وارد بحث شده است و هم از جهت معرفتشناختی. در اینجا بهر دو دسته از مباحث بتفکیک اشاره میشود.

#### ۱. مباحث مفهومی برهان

##### ۱-۱. چیستی برهان

برهان استدلالی قیاسی است که از مقدمات و تصدیقات یقینی شکل میگیرد و دارای نتیجه تصدیقی یقینی است. در برهان، هم شرایط صوری قیاس مراعات میشود - و از این حیث دارای اعتبار صوری است - و هم بهترین شرایط برای مواد و محتوای مقدمات - که همان سود بردن از یقینات است - لحاظ میشود، و از اینجهت دارای اعتبار مادی نیز هست. این تنها قیاس برهانی است که میتواند یقین آور باشد.

حاصل آنکه بنظر ابن سینا، مقوم برهان دو چیز است: قیاسی بودن و یقینی بودن. «برهان قیاس تالیف شده یقینی است. یعنی قیاسی است که از مقدمات یقینی ترکیب شده است و به نتیجه یقینی منجر

میشود».<sup>۴</sup> «قیاسهای برهانی از مقدمه‌هایی ترکیب میشوند که پذیرش آنها ضروری است [ از یقینیات است]».<sup>۵</sup>

برهان قسمی استدلال غیر مستقیم قیاسی است. استدلال در منطق کلاسیک به دو دسته کلی تقسیم میشود: الف) استدلالی که بر اساس یک مقدمه شکل میگیرد، یا استدلال مستقیم، مانند عکس مستوی و تضاد. ب) استدلالی که با بیش از یک مقدمه صورت میگیرد، یا استدلال غیر مستقیم، که خود بر دو قسم است: قیاسی (برهانی و غیر برهانی) و غیر قیاسی: استقرا و تمثیل.

#### ۱-۲. یقینی بودن استقرای تام

ابن سینا نه تنها قیاس خاصی را یقینی و بتبع آن برهانی میداند بلکه استقرائی ویژه را نیز تولید کننده یقین میداند: «مبادی که از طریق آنها به علم یقینی میرسند برهان و استقرا، یعنی استقراء ذاتی، است».<sup>۶</sup> او در توضیح مدعای خود بیان میکند که استقراء مورد نظر او، استقراء ذاتی یا تام یا استقراء مقسّم (یا مقسّم) است که خود از اقسام قیاس بشمار می آید: «استقرائی که در آن تمام جزئیات بررسی شده باشد (تام باشد) مفید یقین است، البته اگر قضایای جزئی آن یقینی باشد ... چرا که این استقرا در واقع قیاس به شمار می آید، آنهم قیاس شرطی [منفصله] که نامش قیاس مقسّم است».<sup>۷</sup>

#### ۱-۳. روش استقراء تام

در استقراء تام نظر به حصول احکام تمام موارد و مصادیق یک موضوع یا مجموعه‌یی که حداقل از جهت مصادیق و افراد بالفعل، محدود است تا از این طریق حکم آن موضوع و مجموعه بطور یقینی آشکار

■ مبدئی که بطور مطلق برای همه دانشها مبدأ است، مقدمه‌یی است که اصلاً دارای حد وسط نیست و آنچه که نسبت به یک علم خاص مبدأ برهان محسوب میشود فی نفسه ممکن است دارای حد وسط باشد اما در آن علم بعنوان اصل موضوع تلقی میشود و در مرتبه خود در آن علم، حد وسطی ندارد.

گردد. استقراء تام، قیاسی مرکب از یک منفصله و عملیاتی چند باندازه اجزاء منفصله است. مراحل کلی شکلگیری استقراء تام یا مقسّم یا قیاس از طریق تقسیم، بر حسب شیوه مرسوم منطقیان، را میتوان بدین ترتیب بیان کرد:

۱ - مشاهده امور جزئی درباره یک مجموعه «ولابد من استناد الاستقراء الی الحسن»<sup>۸</sup>: (بناگزیر استناد استقرا به حسن است).

۲ - تقسیمبندی حاصر از موارد.

۳ - تعیین محمول مشترک هر یک از موارد.

۴ - تشکیل قیاس.

مثال: ۱ - مشاهده موارد جزئی از مجموعه موجوداتی که متحرکند.

۲ - تقسیمبندی حاصر از آنها: هر متحرکی یا حیوان است یا نبات یا جماد.

۴. ابن سینا، الشفاء - المنطق (البرهان)، تصحیح و تحقیق ابوالعلا عقیفی، قاهره، المیریه، ۱۳۷۵ق، ص ۷۸.

۵. همو، الاشارات والتنبیها (مع الشرحین)، ج ۱، الجزء الاول فی علم المنطق، نشر البلاغه، قم، ۱۳۸۳، ص ۲۸۷.

۶. همان، ص ۲۲۰.

۷. همان، ص ۷۹.

۸. همان، ص ۲۲۰.

■ اصول متعارفه قضایایی هستند که به علم ویژه‌یی تعلق ندارند و ثبوت محمول برای موضوع در آنها نیاز به حد وسط ندارد اما اصول موضوعه قضایایی هستند که نیازمند حد وسط اند و حد وسط آنها در علوم دیگر یا در بخشهای دیگر خود آنها تأمین میشود.

تصدیق یقینی است. از نظر ابن سینا معنای تصدیق یقینی عبارتست اعتقاد به این تصدیق که « الف ب است»، بعلاوه اعتقاد تصدیقی به اینکه ممکن نیست « الف ب نباشد» و زوال ناپذیری ب برای الف. وی ابن سینا در تعریف آن چنین آورده است:

تصدیق مراتب مختلفی دارد: برخی از تصدیقات یقینیند، بگونه‌یی که همراه با اعتقاد به محتوای قضیه، اعتقاد دیگری نیز بالفعل [بدون نیاز به تنبه] یا بصورت قوه قریب به فعلیت [نیازمند تنبه و راهنمایی]، وجود دارد و آن اینست که محتوای تصدیق نمیتواند غیر از آنچه که هست، باشد، که زوال اعتقاد به محتوای آن امکان نداشته باشد [یعنی نقیض آنچه بدان تصدیق شده است، هرگز ممکن نیست. البته در این موارد تصدیق هنگامی یقینی است که امکان زوال اعتقاد دوم هرگز

۹. المظفر، محمدرضا، المنطق، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۰ ه.ق، ص ۲۶۴؛ الساوی، زین الدین عمر بن سهلان، البصائر النصیریة فی المنطق، مصر، المطبعة الامیریة، ۱۳۱۶ ه.ق، ص ۹۹.

۱۰. خندان، علی اصغر، منطق کاربردی، تهران، سمت، ۱۳۷۹، ص ۱۲۸ پاورقی.

11. Certain Assertion or Judgement.

۳ – تعیین محمول مشترک: هر حیوانی جسم است. هر نباتی جسم است. هر جمادی جسم است.  
۴ – تشکیل قیاس: الف – هر متحرکی یا حیوان است یا نبات یا جماد.

ب) هر حیوانی جسم است.

ج) هر نباتی جسم است.

د) هر جمادی جسم است.

نتیجه: هر متحرکی جسم است.

نمونه دیگر: ۱ – هر شکلی یا کروی (یا منحنی)

است یا مضلع (دارای ضلع)

۲ – هر شکل کروی (منحنی) متناهی است.

۳ – هر شکل مضلع متناهی است.

نتیجه: هر شکلی متناهی است.<sup>۹</sup>

## روش دیگر

در شیوه دوم، نخست مجموعه مورد نظر را با روش تعریف مصداقی (تعریف یک مفهوم از طریق ارائه نمونه‌ها و مصادیق) به افراد یا انواع آن تعریف میکنیم، آنگاه حکم تک تک افراد یا انواع را بیان کرده، سپس در یک ترکیب عطفی آنها را جمع میکنیم و نام مجموعه را جایگزین آن میسازیم. مثال:

۱ – سیارات منظومه شمسی عبارتند از: تیر، زهره، زمین، مریخ، مشتری، زحل، اورانوس، نپتون، پلوتون.

۲ – تیر دارای مدار بیضوی است؛ زهره دارای مدار بیضوی است؛ زمین دارای مدار بیضوی است؛ ...

پلوتون دارای مدار بیضوی است.

نتیجه: پس سیارات منظومه شمسی دارای مدار بیضوی هستند.<sup>۱۰</sup>

۱-۴. تعریف علم یا تصدیق یقینی<sup>۱۱</sup>

یکی از مسائل مهم در بخش برهان، چستی علم یا

وجود نداشته باشد.]

برخی دیگر از تصدیقات شبیه به یقینند، یا تصدیقی است که در آن تنها یک اعتقاد وجود دارد و آن اعتقاد دومی که ذکر کردیم (خواه بالفعل و خواه با قوه قریب به فعل) همراه آن موجود نباشد؛ یعنی بصورتی است که بسا اگر شخص را بدان تنبه دهیم [در صحت تصدیق تشکیک کنیم]، استحکام تصدیق نخست از بین خواهد رفت. و یا باین صورت است که هر چند تصدیق دوم مورد اعتقاد است، با این حال، این اعتقاد زوال ناپذیر می‌باشد، با اینکه در حال حاضر اعتقاد نخست پابرجاست و امکان نقیض آن فعلاً مورد اعتقاد نیست [شخص معتقد در حال حاضر و بالفعل هرگز برای نقیض اعتقاد خود، امکانی قائل نیست].<sup>۱۳</sup>

علم تصدیقی عبارتست از این اعتقاد که چیزی فلان است فلان وصف را دارد. و یقین در آن عبارتست از این اعتقاد که چیزی فلان است، بعلاوه این اعتقاد که ممکن نیست فلان نباشد؛ البته اعتقادی که زوال ناپذیر نباشد.<sup>۱۴</sup> او در تعریفهای دیگری چنین مینویسد:

«پس آن علمی که در حقیقت یقینی است عبارتست از علمی که در آن اعتقاد حاصل میشود به اینکه فلان چیز چنان است و نیز اعتقاد بر این میشود که فلان چیز ممکن نیست چنان نباشد، اعتقادی که زوال آن امکان ندارد»<sup>۱۵</sup>، «علم اعتقادی ثابت نسبت به چیزی محصل را اقتضا دارد که عبارتست از اینکه تحول متعلق علم از حالتی که داراست ممتنع است، و محال است اعتقاد

متضادی با این اعتقاد دوم همراه بوده یا بر آن عارض شود».<sup>۱۵</sup>

### ۱-۵. ملاک علم یقینی و مبادی برهانی

حال پس از تعریف تصدیق یقینی، پرسش اینست که تصدیقات یقینی و مبادی قیاس برهانی چه ویژگی‌هایی دارند که آنرا از دیگر قضایا و مبادی متمایز میسازد. بیان دیگر، ملاک کلی تمایز تصدیق یقینی از غیر یقینی و مبدأ برهانی از غیر برهانی چیست؟ از چه طریقی میتوان، در مقام مصادیق، یک مبدأ یقینی و برهانی را از مبدأ غیر یقینی و غیر برهانی تشخیص داد؟

ابن سینا با تقسیمبندی مبادی برهان به دو قسم، شرط مبدایت را، در نهایت، فقدان حد وسط یا منتهی شدن به آنچه که فاقد حد وسط است، میداند:

«مبدأ برهان بر دو گونه گفته میشود: گاهی مبدئی

است که بطور کلی برای همه علوم مبدأ شمرده میشود و گاهی مراد از آن مبدأ برهان بحسب یک علم خاص است. و مبدئی که بطور مطلق برای همه دانشها مبدأ است، مقدمه‌یی است که اصلاً دارای حد وسط نیست، یعنی بگونه‌یی است که نسبت محمول آن به موضوعش - اعم از آنکه قضیه ایجابی یا سلبی باشد - حد وسطی ندارد که لازمه آن وجود مقدمه دیگری مقدم بر آن باشد و آنچه که نسبت به یک علم خاص مبدأ برهان محسوب میشود فی نفسه ممکن است دارای حد وسط باشد اما در آن علم بعنوان اصل

۱۲. ابن سینا، الشفاء (البرهان)، ص ۵۱.

۱۳. همان، ص ۲۵۶.

۱۴. همان، ص ۲۵۸ و ۷۸.

۱۵. همان، ص ۲۷۸.

موضوع تلقی میشود و در مرتبه خود در آن علم، حد وسطی ندارد، بلکه حد وسط آن یا در علمی پیش از آن یا در علمی همدریف آن یا خود همین علم در مرتبه بعد است... و هر دو قسم مذکور مبدأ برهان محسوب میشوند و در این جهت مشترک میباشند که در هر یک از آنها یکی از دو طرف نقیض متعین است، بگونه‌یی که امکان ندارد طرف مقابل آنها برهانی باشد.<sup>۱۶</sup>

#### ۱-۶. اصول متعارفه و اصول موضوعه

بر اساس این تقسیمبندی در مبادی است که دو اصطلاح اصول متعارفه و اصول موضوعه علوم نیز معین میشوند. اصول متعارفه قضایایی هستند که به علم ویژه‌یی تعلق ندارند و ثبوت محمول برای موضوع در آنها نیاز به حد وسط ندارد؛ بیان دیگر، به اثبات نیازی ندارند. اما اصول موضوعه قضایایی هستند که نیازمند حد وسط اند و حد وسط آنها در علوم دیگر یا در بخشهای دیگر خود آنها تأمین میشود. بیان دیگر، قضایایی هستند که به اثبات نیاز دارند:

مقدمه‌یی که مبدأ برهان است و هیچ حد وسطی ندارد و جز از طریق عقل بدست نیامده است، علم متعارف و مقدمه واجب القبول نامیده میشود. ولی تمام مطالب دیگری که در آغاز علوم تلقین میکنند [پذیرفته میشوند] - خواه از قبیل تعاریف باشند یا بصورت مقدمه - در ظاهر آنها را وضع تصورات موضوعه و تصدیقات اصول موضوعه مینامند.<sup>۱۷</sup>

#### ۱-۷. فقد حد وسط

در تفکر سینیوی مبنای یقین در گزاره‌های پایه‌یی برهان، فقدان حد وسط لحاظ شده است. مراد از این

شرط اینست که خود قضیه و اجزای قضیه برای نسبت دادن محمول به موضوع کافی است و چیزی ورای قضیه برای تحقق این اسناد لازم نیست.

باید افزود که فقدان حد وسط، هم مربوط به حد وسط ثبوتی و عینی است، و هم اثباتی و ذهنی. توضیح اینکه، اگر چهار گزاره «دیوار سفید است»، «مرده ترسناک است»، «جهان زمانمند است» و «هر کل از جزئش بزرگتر است» را در نظر بگیریم؛ در گزاره نخست و دوم، تصدیق به آنها نیازمند امری عینی بنام قوه و دستگاه بینایی و قوه واهمه است. تصدیق سوم متکی بر امری ذهنی، یعنی دانایی به تغییر جهان است، اما انجام حکم در گزاره چهارم تنها از دانایی عقل به خود قضیه و اجزاء آن بر میخیزد و نقطه اتکایی غیر از آن ندارد.

خلاصه، اگر صرف دو صورت و معلوم ذهنی یا عقلی برای تصدیق عقل کافی نباشد و اموری غیر از قوه عقل - از قبیل دیگر صور ذهنی حاضر در آن یا مرتبط با آن یا حقایق نفسانی مانند قوا و آلات ظاهری (بینایی، شنوایی و...) و باطنی (متخیله، حدس، اراده و...) - واسطه قرار گیرد، یقین بمعنای خاص، یعنی بینایی از حد وسط، تحقق نیافته است.<sup>۱۸</sup>

#### ۲. مباحث مصداقی برهان

##### ۲-۱. مصداق مبادی قیاس بطور کلی

از نظر ابن سینا همه قیاسهایی که در حوزه معرفت انسانی وجود دارند، با تکیه بر استفاده از دسته‌هایی خاص از قضایا شکل میگیرند. این مجموعه از قضایا

۱۶. همان، ص ۱۱۰.

۱۷. همانجا.

۱۸. همو، الشفاء - المنطق (البرهان)، المقالة الاولى،

الفصل الرابع؛ المظفر، المنطق، ص ۲۸۴؛ قرا ملکی، احد فرامرزی، منطق (۲)، تهران، دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۳، ص ۱۴۹-۱۴۴.

■ این سینا در توصیف برهان، نقشهای متعددی را برای حد وسط، بر حسب علیت و معلولیت آن نسبت به حدود دیگر ( نه جایگاه آن در مقدمات که مربوط به تعیین اقسام قیاسهای چهارگانه است) بیان کرده است و آنگاه با بکار بردن ترکیب خاصی میان این نقشها ببيان اقسام برهان پرداخته است.

صدور آنها میباشد، بدست آورد. منابع مبادی مذکور از این قرارند: قوه عقل، قوه حس ظاهری (شنوایی، بینایی و ...)، قوه حس باطنی (حس مشترک، حافظه، توانایی درک احوال درونی مانند شادی و غم)، گواهی دیگران (در متواترات).

### ۳. اقسام برهان

این سینا در بیان اقسام برهان چنین می آورد: اگر قیاس تصدیق به اینکه الف ب است را اعطا کند، اما علت الف بودن ب را [در وجود خارجی] بدست ندهد، آنگونه که علت تصدیق را اعطا میکند، آن قیاس، برهان آن است. و اگر قیاسی علت هر دو امر را [علت تصدیق و علت وجود] اعطا کند، بدین صورت که حد وسط در عین حال که در مقام بیان و اثبات، علت تصدیق به وجود اکبر برای اصغر یا سلب آن از اصغر است، در نفس وجود و مقام ثبوت نیز علت وجود اکبر برای اصغر یا

را که متکای قیاسها هستند، مبادی قیاس مینامند. مصادیق مبادی قیاس، بطور کلی، از این قرار است: مخیلات، محسوسات، مجربات [و حدسیات]، متواترات، اولیات، مقدمات فطری القیاس (قضایا قیاساتها معها)، وهمیات، مشهورات مطلق، مشهورات محدود، مسلمات، مقبولات، مشبّهات، مشهوراتی که در بادی نظر چینند و مورد بررسی و تعقیب قرار نگرفته اند و مظنونات. پس چهارده صنفند.<sup>۱۹</sup>

### ۲-۲. مصادیق مبادی قیاس برهانی

حال در حالت خاص، مراد از مبادی برهان دسته‌یی از قضایاست که یک قیاس برهانی با تکیه بر آنها و استفاده از آنها میتواند به تولید یقین پردازد. مبادی قیاس برهانی اخص از مبادی قیاس، بطور کلی، است. مبادی قیاس برهانی از نظر ابن سینا عبارتند از: اولیات (مثل: اجتماع نقیضین محال است)، محسوسات بیرونی و درونی (مثل: «آسمان آبی است» و «من درد دارم»)، تجربیات (مثل: «هر فلزی بر اثر حرارت منبسط می شود» یا «ترکیب کلر و سدیم همواره نمک طعام میدهد»)، حدسیات (مثل: زمین کروی است)، متواترات (مثل: قطب شمال موجود است) و فطریات (مثل: چهار زوج است» یا «بیست، یک پنجم صد است»). از نظر ابن سینا: «پیدا کردن جایگاه این مقدمات، اولی و محسوس و تجربی [و حدسی] و متواتر و آنچه قیاس اندر طبع بود، مقدمه قیاس برهانی بود. و فایده برهان یقین است و پیدا کردن حق».<sup>۲۰</sup>

### ۲-۳. منابع مربوط به مبادی برهانی (منابع علم برهانی)

بر اساس آنچه ابن سینا درباره مبادی قیاس برهانی بیان کرده است میتوان منابع این مبادی را که منشأ

۱۹. ابن سینا، الشفاء - المنطق (البرهان)، ص ۶۷.

۲۰. همو، دانشنامه علانی (رساله منطق)، تصحیح محمد

معین و محمد مشکوه، تهران، انجمن آثار و مفاخر

فرهنگی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۸.

## ■ برهان

بعنوان نحوه استدلال،

نخست آنکه تنها در حوزه‌یی

میتواند جاری شود و کاربرد پیدا کند

که پای علیت در کار باشد و دوم،

این رابطه علی و معلولی

برای ما معلوم باشد.

بودن رگها دو معلول علت واحد یعنی نارسایی قلب است] و گاهی اتفاق می افتد که حد وسط در مقام ثبوت، معلول وجود اکبر در اصغر است. صورت نخست را برهان ائی مطلق و دومی را دلیل مینامند.

[مثال برای دلیل: این شخص درد کلیه شدید دارد. این درد شدید ناشی از سنگ کلیه است. پس درد این شخص ناشی از سنگ کلیه است.]<sup>۲۱</sup>

### ۳-۱. محوریت حد وسط در اقسام برهان

در باره نقش محوری حد وسط در تقسیمبندی اقسام برهان میتوان به بیان ذیل از ابن سینا اشاره کرد:

اگر حد وسط سبب و علت وجود حکم، یعنی نسبت بعضی از اجزاء نتیجه و مطلوب به بعضی دیگر (یا سببیت حد وسط نسبت به ثبوت اکبر برای اصغر) در نفس الامر و واقع باشد، این برهان، برهان لم است، چرا که چنین برهانی هم سبب در تصدیق حکم [علت تصدیق حکم در ذهن] را اعطا میکند و هم علیت در [تصدیق] و علت وجود حکم [علت تصدیق حکم در خارج] را. پس این برهان بطور مطلق اعطاکننده سبب [تصدیق] است [یعنی هم بیان کننده سبب تصدیق در ذهن است و هم در عین]، و اگر چنین نباشد و حد وسط تنها سبب تصدیق حکم [در ذهن] باشد، در این صورت علیت در تصدیق را اعطا میکند و علیت در وجود را افاده نمیکند. بنابراین آنرا برهان ان مینامند، چرا که چنین برهانی، در حد خود، برانیت حکم [تصدیق ذهنی حکم] دلالت میکند نه لمیت آن [تصدیق

سلب آن از اصغر است، در نفس وجود و مقام ثبوت نیز علت وجود اکبر برای اصغر یا سلب آن از اصغر باشد، این برهان را برهان لم مینامند.

[مثال برهان لم: ماه کروی است. هر شیء کروی که از شیء مقابل خود نور بگیرد بشکلهای مختلف (هلالی، نیم دایره، دایره تمام) در خواهد آمد. پس ماه باشکال مختلف در خواهد آمد.]

و گاهی در برهان ائی حد وسط در متن وجود نه علت است برای وجود اکبر در اصغر و نه معلول وجود اکبر در اصغر است، بلکه امری است که با آن نسبت تضایف دارد و یا از حیث نسبت به علت، مساوی با آنست است (یعنی هر دو معلول یک علتند) یا در مقام عروض با او معیت دارد، یا غیر اینها از امروی که طبعاً با وجود اکبر برای اصغر معیت دارد.

[مثال برهان ان: این شخص فشار خون بالایی دارد. هر کس دارای فشار خون بالا باشد، رگها بدن او از حالت متعارف خارج میشود. پس رگهای این شخص از حالت متعارف خارج شده است. در اینجا فشار خون و نامتعارف

۲۱. همو، الشفاء - المنطق (البرهان)، ص ۷۹.



عینی حکم]. پس اگر حد وسط با اینکه در برهان ان، علت ثبوت دو حد نتیجه [ثبوت اکبر برای اصغر] نیست و معلول این دو حد میباشد، در عین آنکه چنین حد وسطی برای ما شناخته شده‌تر است، دلیل نامیده میشود.<sup>۲۳</sup>

شارح اشارات، خواجه نصیر طوسی، نیز با توجه به نقش محوری حد وسط، نخستین و پایه‌ترین نقش حد وسط را در هر قسم برهانی علیت آن نسبت به تصدیق در ذهن میدانند. بیان دیگر، ر. برهانی ناگزیر متضمن تصدیق ذهنی و ربط اکبر به اصغر بواسطه حد وسط، در ذهن است. خواجه با آغاز از این ویژگی اصلی برهان به نقشهای دیگر آن میپردازد. بدین معنی که حد وسط علاوه بر واسطه بودن برای تصدیق ذهنی، یا علت وجود حکم در خارج نیز هست یا چنین نیست. در صورت نخست برهان لم نامیده میشود و در غیر این صورت برهان ان است. در این صورت اخیر نیز، یا حد وسط معلول وجود اکبر برای اصغر است یا چنین نیست. قسم نخست دلیل نامیده میشود و قسم دیگر نام خاصی ندارد.<sup>۲۳</sup>

### ۲-۳. نقشهای متعدد حد وسط بر حسب اصل علیت

ابن سینا در توصیف برهان، نقشهای متعددی را برای حد وسط، بر حسب علیت و معلولیت آن نسبت به حدود دیگر (نه جایگاه آن در مقدمات که مربوط به تعیین اقسام قیاسهای چهارگانه است) بیان کرده است و آنگاه با بکار بردن ترکیب خاصی میان این نقشها بیان اقسام برهان پرداخته است. بیان دیگر مبنا و ملاک ابن سینا در تقسیمبندی اقسام برهان، انحای نقش آفرینی حد وسط در قیاس برهانی است. ابن سینا در طی عبارتهای مختلفی به نقشهای مختلف

حد وسط پرداخته است.<sup>۲۴</sup>

که بر اساس آنها میتوان مجموع نقشهای حد وسط را چنین در نظر گرفت:

۱- حد وسط علت ثبوت اکبر برای اصغر یا ببیان دیگر علت وجود اکبر در اصغر باشد؛

۲- حد وسط معلول ثبوت اکبر برای اصغر را معلول وجود اکبر در اصغر باشد؛

۳- حد وسط نه علت ثبوت اکبر برای اصغر و نه معلول آن (دو معلول علت واحد) باشد؛

۴- حد وسط علت وجود خود اکبر باشد؛

۵- حد وسط معلول وجود خود اکبر باشد؛

۶- حد وسط علت تصدیق اکبر برای اصغر باشد.

### ۳-۳. اقسام برهان بر حسب نقشهای حد وسط

حال میتوان اقسام برهان را بر حسب ترکیب نقشهای فوق در باره حد وسط، چنین بیان داشت:

۱- برهان لم: حد وسط، واسطه یا علت تصدیق اکبر برای اصغر در ذهن؛ واسطه یا علت وجود اکبر برای اصغر در خارج؛ علت وجود اکبر است یا نسبت به آن عدم علیت دارد.

مثال یک: قیاس اقترانی حملی: جهان ممکن الوجود است؛ هر ممکن الوجودی معلول نتیجه: جهان معلول است.

مثال دو: قیاس اقترانی: اگر زمین میان خورشید و ماه قرار گیرد آنگاه مانع رسیدن نور خورشید به ماه میشود؛ اگر نور به ماه نرسد آنگاه خسوف رخ میدهد. نتیجه: اگر زمین میان خورشید و ماه قرار گیرد

۲۲. همو، الاشارات و التنبیها، الجزء الاول فی المنطق،

ص ۳۰۶.

۲۳. همان، حاشیه خواجه، ص ۳۰۶.

۲۴. برای نمونه نک: همان، ص ۳۰۸؛ همو، الشفاء

(البرهان)، الفصل السابع، ص ۸۳ - ۷۹.

آنگاه خسوف رخ میدهد.

۲- برهان ان (دلیل): حد وسط، نقش واسطه یا علت تصدیق اکبر برای اصغر در ذهن؛ معلول وجود اکبر برای اصغر؛ معلول وجود اکبر یا عدم معلولیت نسبت به آن، دارد.

مثال یک: انسان مُدرک کلیات است؛ هر مدرک کلیات دارای نفس مجرد است؛ نتیجه: انسان دارای نفس مجرد است.

مثال دو: این فلز منبسط شده است؛ انبساط فلز ناشی از حرارت است. نتیجه: این فلز حرارت دیده است.

۳- ان (مطلق) یا شبه لم: حد وسط، نقش واسطه یا علت تصدیق اکبر برای اصغر در ذهن دارد و نه علت و نه معلول وجود اکبر برای اصغر (معلول علت واحد)، و نه علت و نه معلول وجود اکبر است.

مثال یک: ماده زمانمند است؛ هر زمانمندی متحرک است. نتیجه: ماده متحرک است. (در اینجا زمان و حرکت هر دو معلول نحوه وجود ماده هستند).

مثال دو: ماده محسوس به حواس ظاهری، دارای شکل است.

هر ماده محسوس شکلدار، دارای رنگ است. نتیجه: ماده محسوس دارای رنگ است.

### ۳-۴. انحصار برهان در حوزه علیت

برهان بعنوان نحوه استدلال، نخست آنکه تنها در حوزه‌یی میتواند جاری شود و کاربرد پیدا کند که پای علیت در کار باشد و دوم، این رابطه علی و معلولی برای ما معلوم باشد.<sup>۲۵</sup> دکتر قرا ملکی دربارهٔ محوریت علیت در استدلال برهانی مینویسد:

توجه به اقسام سه گانه برهان این نکته را نشان میدهد که از نظر منطقیون برهان که معتبرترین قیاس است تنها در حیطة علیت جاری است.

یعنی وقتی میتوان حمل ب بر الف را بطریق برهان اثبات کرد که نوعی نسبت علیت بین آندو، حد اوسط باشد. یعنی اقامه برهان بر امری که انحصاراً یکی از سه روش زیر را دارد: ۱- سلوک از علت به معلول ۲- سلوک از معلول به علت ۳- سلوک از امری که آن امر و نتیجه، هر دو، معلول علت واحدی هستند. بنابراین هنگام اثبات برهانی یک امر، باید بسراغ اموری رفت که با آن امر یکی از سه نسبت علی فوق را دارد. بهمین دلیل اگر امری علت نداشته باشد در اثبات آن نمیتوان به برهان لم (سلوک از علت به معلول) توسل جست»<sup>۲۶</sup>

### نتیجه

چنانکه ملاحظه شد، میتوان نظریه برهان سینوی را در ذیل طبقه‌بندی ویژه‌یی قرار داد و در این چارچوب خاص به طرح تحلیلی و دقیق مقومات و مولفه‌های اساسی و دیگر نکاتی که وی بدانها اشاره کرده است، اقدام کرد. نباید با نظریه برهان، بمثابه نظریه بسیط و بیگانه و بدون حیثیات و جهات برخورد کرد و بدون لحاظ سطوح سه گانه آموزه، روش و مهارت آن را در نظر گرفت. بخش آموزه برهان نیز حیثیت واحد نداشته و از دو جهت منطقی (بمعنای سینوی که مشتمل بر منطبق صورت و ماده است) و معرفتشناختی برخوردار است. چنین رویکردی به برهان سینوی میتواند مقایسه آن را با دیگر نظریات منطقی یا نظریات معرفتشناختی جدید تسهیل کند. از طرف دیگر، مفاد آموزه برهان نیازمند مذاقه‌ها و تاملات فزونتر است، بگونه‌یی که میتواند منشأ طرح نظریات متنوعی گردد.

۲۵. همو، الشفاء (البرهان)، ص ۸۱.

۲۶. قرا ملکی، منطق (۲)، ج ۲، ص ۱۵۵.